

## تعیین علت‌های جدایی مطرح‌شده از زنان در آستانه طلاق بر اساس سناریوهای زندگی آن‌ها

فهیمة رحمتی\*

دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر، اصفهان، ایران

سید اسماعیل موسوی

عضو هیئت علمی گروه مشاوره و راهنمایی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر، اصفهان، ایران

### چکیده

پژوهش حاضر باهدف تعیین علت‌های جدایی مطرح‌شده از زنان در آستانه طلاق بر اساس سناریوهای زندگی آن‌ها انجام شد. روش پژوهش حاضر کیفی بود که به روش مطالعه تماتیک از نوع مقوله‌ای انجام شد و جامعه آن شامل کلیه زنان در آستانه طلاق شهر اصفهان بودند. مشارکت‌کنندگان این تحقیق با روش تعیین حجم نمونه با روش اشباع ۲۱ نفر تعیین شدند. روش جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش مصاحبه نیمه ساختاریافته بود که از سه قسمت اطلاعات جمعیت‌شناختی، شناسایی دلایل طلاق و شناسایی و کشف سناریوهای زندگی تشکیل شده بود و برای تعیین میزان استاندارد آن از روش سه سوسازی (پژوهشگر، استاد راهنما و مشاوران هم‌تراز) استفاده شد. روش تجزیه و تحلیل یافته‌های این پژوهش به صورت بررسی محتوای آشکار و پنهان داده‌های به دست آمده از گفته‌ها و نوشته‌ها به شیوه کدگذاری دستی انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان داد در دلیل جدایی روابط آزاد با جنس مخالف سناریوهای «فکر نکن» و «متعلق نباش»، در خشونت همسر، سناریوهای «مهم نباش» و «راضی کن»، در بی‌توجهی همسر نسبت به خواسته‌ها، سناریوهای «نباش» و «راضی کن»، در تفویض جایگاه زن و مرد و بی‌مسئولیتی همسر، سناریوی «چه نباش»، درباره ذهنیت غلط نسبت به مردان، سناریوی «تزدیک نباش» و درباره ازدواج مجدد همسر سناریوی «مهم نباش» نقش دارند. در نتیجه می‌توان بیان کرد سناریوهای زندگی افراد مانند دیگر ویژگی‌های شخصیتی بر دلایل جدایی آن‌ها تأثیر دارد و می‌تواند با جهت‌دهی به رفتارهای زنان در آستانه طلاق دلایل مشخصی را در آن‌ها به وجود آورد.

### واژگان کلیدی

علت‌های جدایی، زنان در آستانه طلاق، سناریوهای زندگی

\* نویسنده مسئول

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۷/۲۹

تاریخ تصویب: ۱۳۹۷/۱/۱۸

DOI: 10.22051/jwsps.2018.17695.1584

## مقدمه

طلاق شایع‌ترین جلوهٔ تعارض شدید است که بالغ بر نیمی از ازدواج‌هایی را شامل است که درصدد مشاوره هستند (اخوی ثمرین، ۱۳۹۲). رشد روزافزون طلاق آن را به یک معضل مهم اجتماعی تبدیل کرده است (آخوندی درزی، اسماعیلی و کاظمیان، ۱۳۹۶). طبق تعریف، طلاق فرایندی است که با تجربهٔ بحران عاطفی زوج شروع می‌شود و با تلاش برای حل تعارض از طریق ورود به موقعیت جدید با نقش‌ها و سبک زندگی جدید خاتمه می‌یابد (یوسفی و کیانی، ۱۳۹۱).

در بررسی علت طلاق علاوه بر عوامل اجتماعی، اقتصادی و حقوقی، توجه به علل فردی و روان‌شناختی و عاطفی از جمله میل به طلاق که به طلاق منجر می‌شود، اهمیت ویژه‌ای دارد (کارنی و برادبوری<sup>۱</sup>، ۱۹۹۷). تصمیم به طلاق نتیجهٔ فشار درونی شدیدی است که حداقل به یکی از همسران وارد می‌شود که ممکن است از طریق برآورده نشدن نیازها یا اهداف، شیوه‌های مقابله‌ای ضعیف، مدیریت حوادث زندگی یا ناتوانی در انتقال احساسات به همسر باشد (نظری و همکاران، ۱۳۹۴).

اما موضوعی که جای خالی آن در میان پژوهش‌های انجام‌شده به چشم می‌خورد، این است که چرا افراد دیگر با همین شرایط گرایش به طلاق پیدا نمی‌کنند و زندگی خود را با رضایت پیش می‌برند؟ خیاط غیاثی (۱۳۸۹) نشان دادند که اختلاف تحصیلی و سنی زوجین، تحصیلات زن و سن ازدواج با گرایش زنان به طلاق رابطه‌ای معنادار و مستقیم دارند و متغیرهای مدت زندگی مشترک و تعداد فرزندان با گرایش به طلاق زنان رابطه‌ای معنادار و معکوس دارند. نصرالهی (۱۳۹۲) نشان داد بین بیکاری، نرخ باسوادی زنان و شهرنشینی با طلاق رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. از جمله این نظریات نظریهٔ تحلیل رفتار متقابل است که در آن شکل‌گیری سناریوهای زندگی افراد در کودکی و تأثیر آن در رفتارهای دیگر افراد مطرح می‌شود. از دیدگاه تحلیل رفتار متقابل سناریوی زندگی طرح زندگی است که در دوران کودکی ریخته شده، به وسیلهٔ والدین تقویت شده و با حوادث بعدی توجیه می‌شود و بالاترین نمود آن در انتخاب‌هایی است که شخص در زندگی به عمل می‌آورد. (اریک برن، ۱۹۸۶). در نتیجه از دیدگاه این نظریه این‌گونه بیان می‌شود که دلایلی که افراد برای رفتارهای



خود ذکر می‌کنند، تأثیر فراوانی از این سناریوهای زندگی می‌گیرد (برن<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶).

تحلیل سناریوی زندگی فرآیند تعیین اجزاء خاصی است که شامل طرح منفی زندگی فرد نیز می‌شود. این عناصر دربردارنده دستورات والدین وضعیت موجود زندگی، الگوی غالب حالت منیت، زمان‌بندی سناریوی زندگی، سبک آن، احساسات و رفتارهای ناخوشایند، بازی‌ها و نتایج سناریو هستند (کورتز، ۲۰۱۰). در هر تعامل دو نفره یا چندنفره هر فرد تلاش می‌کند، در تعاملاتی شرکت کند که با بازی‌های موردعلاقه‌اش مرتبط است. او تلاش می‌کند تا بازی مرتبط با سناریوی زندگی‌اش را اجرا کند و بیشترین دستاورد اولیه را از هر تعامل به دست آورد. برای روابط متقابل تصادفی، فرد حداقل در تعاملات موردعلاقه‌اش شرکت می‌کند، در روابط پایدارتر، فرد همان بازی را اجرا خواهد کرد. در روابط صمیمی افرادی را انتخاب خواهد کرد که بیشترین صلاحیت را در جایگزین کردن نقش‌ها در سناریوی اولیه او دارند (یان، ۱۳۹۰). لیکن احتمالاً زنانی که دارای سناریوی زندگی مطلوبی نباشند بازی‌هایی را در زندگی شروع می‌کنند که در آن سعی به بدنامی خود یا همسرشان دارند و در نتیجه این سناریو می‌تواند دلیلی برای درخواست طلاق افراد شود.

سناریوهای زندگی مفاهیمی ناآگاهانه و ساختگی هستند که یک فرد نابالغ آن‌ها را در یک دنیای بزرگ تصمیم‌گیری کرده است. این سناریوها اساساً مکانیزم دفاعی همان فرد نابالغ هستند که آن‌ها را طراحی کرده تا به او کمک کنند در دنیایی بماند که مخالف اوست. بر اساس نظریه برن همه افراد در ابتدا همانند زندانی در بند سناریوی خود، با دنیا مواجه می‌شوند (کلارکسون<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳). فرد پس از نوشته شدن سناریوی زندگی‌اش نقش یک کارگردان را بازی می‌کند و دنبال کسی می‌گردد که بهتر از بقیه نقش‌های سناریوی او را بازی کند؛ اما وقتی افراد برگزیده فرد، از مبادله پاسخ‌های موردنظر او اجتناب می‌کنند از آنها روی گردان می‌شود که نمود آن در زندگی زناشویی تعارض‌های بین زوجین است. علت آن را می‌توان عدم هماهنگی پاسخ‌هایی دانست که هر یک از زوجین به سناریوی زندگی یکدیگر و پاسخ‌های مورد انتظار طرف مقابل خود می‌دهند. در این هنگام فرد که از سناریوهای زندگی خویش اطلاع ندارد، به دنبال نشان دادن رفتارهای فرد مقابل در چارچوب سناریوی زندگی خویش است، لذا برای نشان

- 
1. Berne
  2. Clarkson

دادن نارضایتی خود و برای این که دلایل جدایی خود را موجه جلوه دهد، از سناریوهای زندگی بازدارنده‌ها شامل نباش، خودت نباش، بچه نباش، بزرگ نشو، تو نمی‌توانی، نکن، مهم نباش، متعلق نباش، نزدیک نشو، سالم نباش، فکر نکن و احساس نکن و سوق‌دهنده‌ها شامل کامل باش، راضی کن، قوی باش، سخت کارکن و عجله کن استفاده می‌کند.

هنگامی که نزاع‌های زناشویی شکل می‌گیرد، منازعات فراوان، انتقادهای مکرر، پناه بردن به سکوت، عدم همراهی عاطفی و لاینحل ماندن مشکلات پدید آمده و به مرور به میل به طلاق منجر می‌شود؛ بنابراین، اساس زندگی و خوشبختی انسان ریشه در سوق‌دهنده‌ها و بازدارنده‌های فرد در سناریوهای زندگی‌شان دارد (بولتون، ۱۳۹۴). نظریه‌های مختلفی با استفاده از دیدگاه‌های صفات و همچنین دیدگاه‌های زیستی-روانی اذعان می‌دارند که ویژگی‌های روانی افراد، نقش حساسی در پیش‌بینی سازگاری زناشویی و موفقیت ازدواج آن‌ها دارد، ولی موضوعی که در این زمینه کم‌تر به آن توجه شده است؛ سناریوهای زندگی فرد (مهارها و بازدارنده‌ها) است که به‌عنوان نوعی از شخصیت در تمام زمینه‌های زندگی و روابط اجتماعی انسان جلوه‌گر می‌شود و به صورت مستقیم به عنوان عاملی تأثیرگذار بر فرآیندهای ارتباطی زوج‌ها اثر می‌گذارد و سازگاری آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در واقع رابطه زناشویی پیوند دو شخص بازدارنده‌ها و مهارهای متفاوت است و هر یک از همسران با پیشینه تحولی، سبک سناریو، بازدارنده‌ها و مهارهای گوناگونی به زندگی مشترک قدم می‌گذارند که می‌تواند زمینه بروز میل به طلاق را در آن‌ها پیش‌بینی کند. لیکن پژوهش حاضر قصد داشت با انجام دادن یک پژوهش کیفی به سؤال زیر پاسخ دهد:

چگونه سناریوهای زندگی بر دلایل جدایی زنان در آستانه طلاق نقش ایفا می‌کند؟

### روش پژوهش

شیوه و روش پژوهش حاضر از نوع تحقیق و پژوهش کیفی بود. تحقیق کیفی عبارت از مجموعه فعالیت‌هایی چون مشاهده، مصاحبه و شرکت گسترده در فعالیت‌های پژوهشی است که هرکدام به نحوی محقق را در کسب اطلاعات دست‌اول، درباره موضوع موردتحقیق یاری می‌دهند؛ لیکن از آنجایی که در پژوهش حاضر محقق قصد پاسخگویی به سؤال چگونگی تأثیر سناریوهای زندگی زنان در آستانه طلاق بر علل جدایی آن‌ها داشت، روش پژوهش حاضر از نوع مطالعه تماتیک از نوع مقوله‌ای بود. جامعه آماری پژوهش کلیه زنان در آستانه طلاق شهر اصفهان بودند.



مشارکت‌کنندگان این تحقیق از میان زنانی که به علت نارضایتی و تعارض زناشویی و با قصد مشاوره طلاق به کلینیک‌های مشاوره خانواده شهر اصفهان مراجعه کرده و از طرف روان‌درمانگر خانواده تشخیص در آستانه طلاق به آن‌ها داده‌شده، انتخاب شده‌اند. این اقدام آن‌ها در دوران عقد یا در سال‌های مختلف پس از شروع زندگی مشترک اتفاق افتاده است که در برخی موارد، اشخاص دارای فرزند نیز هستند. لذا با توجه به اینکه در روش کیفی برخلاف روش‌های کمی، محقق به دنبال دستیابی به تعمیم‌پذیری‌های گسترده نیست، تعداد افراد مورد مصاحبه به اشباع داده‌ها بستگی دارد. به عبارت دیگر جمع‌آوری داده‌ها تا زمانی ادامه‌یافت که اطلاعات و مفاهیم جدید حاصل نشد؛ بنابراین، در این مطالعه مصاحبه با اولین مشارکت‌کننده آغاز و تا رسیدن به حد اشباع اطلاعات ادامه پیدا کرد و حجم نمونه ۲۱ نفر شد.

برای کسب روایی و پایایی یافته‌های پژوهش حاضر از روش سه سوسازی<sup>۲</sup> استفاده شد. بدین صورت که برای به‌دست آوردن روایی ابتدا یک مصاحبه به صورت آزمایشی تنظیم شد که سه قسمت داشت. در قسمت اول اطلاعات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان پژوهش بررسی شد. در قسمت دوم به سناریوهای زندگی مشارکت‌کنندگان توجه و در قسمت آخر دلایل جدایی زنان در آستانه طلاق مشخص شد. این فرم مصاحبه بر اساس نظریه سناریوهای زندگی اریک برن تنظیم شده تا روایی محتوایی مصاحبه تأمین شود. از طرف دیگر نیز این مصاحبه را علاوه بر استاد راهنما، متخصصانی نیز بررسی کردند که در این زمینه کارکرده بودند تا روایی صاحب‌نظران نیز تأمین شود. همچنین به منظور حصول اطمینان از موثق بودن داده‌ها، محقق تلاش خود را برای جمع‌آوری اطلاعات مبنی بر تجارب وقایع زندگی متمرکز کرد که این موضوع به‌نوبه خود به عینی بودن داده‌ها کمک کرد و روشی برای تأیید موثق بودن داده‌ها است. در پایان مصاحبه‌ها با مراجعه به مشاورین و افراد مطلع و مورد وثوق که در جریان روند طلاق برخی از این زنان بودند، برای تأیید یافته‌های حاصل از متن مصاحبه‌ها، مصاحبه‌هایی صورت داده شد. از این روش سه سوسازی محقق با روش‌ها و اقدامات فوق فراهم شد. از طرف دیگر در این تحقیق پس از پیاده کردن مصاحبه‌های ضبط‌شده از روی فایل صوتی ویرایش آن‌ها به وسیله موارد مکتوب شده در جلسه مصاحبه، مصاحبه به فرد مشارکت‌کننده بازگردانده شد تا مجدداً آن را مطالعه، مفاهیم را تأیید و

---

1. Theoretical saturation

2. triangulation

مطالبی را حذف یا اضافه کند. محقق همچنین به اجرای چند مصاحبه توسط فرد دیگر و مقایسه نتایج حاصل از آن با مصاحبه‌های خود اقدام کرد. ضمناً مطالب مصاحبه‌ها در چندین نوبت به استاد راهنما ارائه و نقطه نظرات اصلاحی در خصوص چگونگی هدفمند کردن مصاحبه‌ها اعمال شد که این مورد نیز باعث رعایت سه سوسازی در زمینه داده‌ها می‌شود.

مصاحبه‌های انجام شده از مشارکت‌کنندگان پژوهش در زمینه علل طلاق و نارضایتی شکل گرفته شده در زمینه روابط زناشویی ایشان بود که به مدت ۶۰ - ۹۰ دقیقه به طول می‌انجامد. شایان ذکر است که قبل از انتخاب مشارکت‌کننده ورود به فرایند پژوهش، مشارکت‌کنندگان فرم رضایت‌نامه ورود به پژوهش را تکمیل کردند. همچنین در حین جمع‌آوری داده‌ها، مسائل اخلاقی پژوهش از قبیل گمنام ماندن مشارکت‌کنندگان، پاسخگویی به سؤالات شکل گرفته در مشارکت‌کنندگان رعایت شد.

برای تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش حاضر، محقق پس از انجام مراحل ذکر شده، موضوعات اصلی شامل کدبندی دلایل جدایی و شیوه رفتار فرد در برابر همسر خود و موضوعات فرعی شامل نشانه‌های رفتاری مشارکت‌کنندگان است که در مجموع محقق را به سمت تصمیم‌گیری برای انتخاب سناریوی زندگی فرد رهنمون می‌کرد، پژوهشگر در تحلیل یافته‌های خود موضوعات اصلی و فرعی را از یکدیگر متمایز و بر اساس جداول، کدگذاری و مجزا گردانده و معانی درونی آن‌ها را سنجیده است. سپس مقوله‌های اصلی و فرعی مطابق با سؤالات پژوهش را شناسایی و برای کشف سناریوهای زندگی، مرتبط با مطالب، مقوله‌بندی کرده و دلایل جدایی و سناریوهای زندگی افراد را بر اساس قوت در شرکت‌کنندگان شناسایی و آن‌ها را تبیین کرده است.

### یافته‌های پژوهش

در این پژوهش چون روش کار کیفی بود، از ارائه یافته‌ها به صورت اعداد و جدول آماری اجتناب شد و به محتویات مصاحبه‌های انجام شده بر روی جامعه پژوهش توجه می‌شود. در پایان تلاش بر آن است که با توجه به یافته‌های حاصل از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها به سؤال پژوهش مبنی بر چگونگی ایفای نقش سناریوهای زندگی افراد بر دلایل جدایی آن‌ها پاسخ داده شود. در ابتدا جدول مشخصات دموگرافیک مشارکت‌کنندگان و در ادامه، برای مشخص شدن تأثیر و نوع نقش سناریوها برای مشخص شدن نقش آن‌ها بر دلایل جدایی زنان در



آستانه طلاق، برداشت پژوهشگر از محتوای مصاحبه‌ها و دلایل جدایی افراد ذکر شده است.

جدول ۱: ویژگی‌های شرکت‌کنندگان در پژوهش

کد آزمودنی	تحصیلات	سن	شغل	سنوات زندگی مشترک	تعداد فرزندان	سابقه ازدواج قبلی	سن همسر
۱	دیپلم	۲۶	خانه‌دار	۹ سال	۱	ندارد	۳۴
۲	دیپلم	۲۱	خانه‌دار	۲ سال	۰	ندارد	۲۶
۳	دیپلم	۲۰	خانه‌دار	۱ سال	۰	ندارد	۲۲
۴	دیپلم	۳۰	خانه‌دار	۱۲ سال	۳	ندارد	۳۶
۵	راهنمایی	۱۷	خانه‌دار	۳ ماه	۰	دارد	۲۱
۶	سیکل	۲۹	خانه‌دار	۱۴ سال	۱	ندارد	۳۸
۷	دیپلم	۳۱	خیاط	۱۲ سال	۱	ندارد	۳۸
۸	دیپلم	۳۳	حسابدار	۱۷ سال	۱	ندارد	۴۰
۹	کارشناسی	۲۱	دانشجو	۴ سال	۰	ندارد	۳۷
۱۰	دیپلم	۳۶	خیاط	۱۸ سال	۲	ندارد	۴۰
۱۱	سیکل	۲۴	خانه‌دار	۳۸ سال	۲	دارد	۳۸
۱۲	دیپلم	۳۷	خانه‌دار	۱۸ سال	۱	ندارد	۴۰
۱۳	سیکل	۲۶	فروشنده	۴ سال	۰	ندارد	۲۶
۱۴	لیسانس	۳۳	خانه‌دار	۱۱ سال	۲	ندارد	۳۶
۱۵	سیکل	۴۹	خانه‌دار	۳۲ سال	۱	ندارد	۵۷
۱۶	دیپلم	۳۵	فروشنده	۱۳ سال	۱	ندارد	۴۱
۱۷	دیپلم	۳۰	خانه‌دار	۱۶ سال	۲	ندارد	۳۹
۱۸	سیکل	۲۴	خانه‌دار	۸ سال	۰	ندارد	۳۰
۱۹	دیپلم	۲۷	خانه‌دار	۵ سال	۰	ندارد	۳۲
۲۰	ابتدایی	۳۹	کارگر	۲ ماه	۲ فرزند از ازدواج قبلی	دارد	۴۹
۲۱	دیپلم	۲۶	راننده	۱۰ سال	۱	ندارد	۳۴

**مورد اول با دلیل جدایی فقدان مهارت محبت‌ورزی در بین زوجین:**

سناریو دیگران راضی کن: ادامه زندگی به خواست پدر و در جهت جلب رضایت او. نادیده گرفتن خود در زندگی در جهت جلب رضایت همسر. ادامه زندگی به دلیل فرزند خردسالش. سناریو وجود نداشته باش: عدم علاقه به زندگی، عدم دریافت توجه از طرف همسر، نادیده گرفته شدن طی زندگی.

سناریو فکر نکن: مرد بودن به تصمیم برای ادامه زندگی، منتظر تصمیم مشاور ماندن برای زندگی، به تعویق انداختن تصمیم‌گیری.

**مورد دوم با دلیل جدایی افزایش توقعات، انحرافات و نارضایتی جنسی:**

سناریو متعلق نباش: جابه‌جایی در زمان کودکی، سرگردانی به دنبال یافتن امنیت، سرپرستی نزد اشخاص مختلف و رابطه بد و مخدوش پدر و مادر.

سناریو مهم نباش: تحقیر کودکی، احساس بی‌ارزشی، منفعل ماندن در برابر سوء استفاده قرار گرفتن و محقق ندانستن خود

سناریو دیگران راضی کن: طبق خواست دیگران رفتار کردن.

**مورد سوم با دلیل جدایی فقدان مهارت محبت‌ورزی در بین زوجین:**

سناریو هیچ کاری نکن: عدم توانایی انجام کار، نگرانی افراطی والدین، حمایت افراطی والدین، از این شاخه به آن شاخه پریدن و عدم پایبندی بر تصمیم‌گیری‌ها

سناریو زود باش: عجله در کارها و انجام کارها زودتر از زمان مقرر.

سناریو مهم نباش: تحقیر شدن، احساس شرم از تقاضاهای معقول خود، احساس بی‌ارزشی و حق قائل نشدن برای خود

**مورد چهارم با دلیل جدایی عدم تعهد زناشویی:**

سناریو مهم نباش: تحقیر شدن و احساس بی‌ارزشی

سناریو سخت‌کوش باش: احساس لذت در کار سخت، صرف انرژی زیاد برای کاری و مصمم شدن برای هدف هنگام ایجاد سختی.





سناریو دیگران راضی کن: طبق خواست دیگران رفتار کردن، مهربانی افراطی و خشنود کردن دیگران به قیمت ضرر رساندن به خود.

#### مورد پنجم با دلیل جدایی دخالت و تحریک دیگران

سناریو فکر نکن: عدم به‌کارگیری قدرت تفکر، واقعیت را همسو با نیازها و تمایلات شخصی در نظر گرفتن

سناریو نباش: نادیده گرفته شدن، تشکر نگرفتن و احساس ناخواستنی بودن  
سناریو دیگران راضی کن: رضایت دیگران مقدم بر رضایت خود و گذشت کردن حتی به قیمت ضرر رساندن به خود.

#### مورد ششم با دلیل جدایی ناکامی در تولد فرزند:

سناریو سالم نباش: درگیر بیماری، بروز بیماری حین مشکلات و استفاده از بیماری برای برانگیختن حس ترحم و توجه در دیگران.

سناریو موفق نباش: رها کردن کاری چند قدمی موفقیت و کارها را نیمه‌تمام رها کردن  
سناریو زود باش: مضطرب شدن به خاطر به اتمام نرسیدن کارها و تعجیل در کارها

#### مورد هفتم با دلیل جدایی پدیده چندهمسری:

سناریو فکر نکن: به تعویق انداختن کارها و عدم به‌کارگیری قدرت تفکر  
سناریو وجود نداشته باش: بدترین چیزهای زندگی را دیدن و احساس ناخواستنی بودن داشتن  
سناریو عجله کن: عجله در انجام کارها و تند و سریع صحبت کردن

#### مورد هشتم با دلیل جدایی تغییر فرهنگ الگوی مشارکت اجتماعی و نقش‌های جنسیتی:

سناریو بچه نباش: احساس مسئولیت افراطی در برابر دیگران و حمایت کردن آن‌ها، رفتار کردن بیش از سن، توقع بیش از حد از آن‌ها داشتن و قبول کردن مسئولیت‌های بزرگ.  
سناریو فکر نکن: بی‌اعتمادی نسبت به اندیشه‌های خود، بهای بیشتر دادن به احساسات نسبت به منطق در تصمیم‌گیری‌ها، انتخاب اولین گزینه در حل مشکلات، ناتوانی در شناخت و درک واقعیت، واقعیت را همسو با نیازها و تمایلات شخصی در نظر گرفتن.

سناریو قوی باش: به هر قیمتی به اهداف رسیدن، کتمان کردن ناتوانی‌ها و خود را قدرتمندتر از چیزی که هستند نشان دادن.

مورد نهم با دلیل جدایی روابط آزاد با جنس مخالف و اختلاط ناسالم زن و مرد:  
سناریو نباش: احساس ناخواستی بودن، خود را مستحق آسیب دیدن و افکار خودکشی و اقدام به خودکشی

سناریو فکر نکن: به تعویق انداختن حل مشکلات، به کار بردن هیجانانگیز به جای تفکر در حل مسائل، آشفتگی در کارها هنگام بروز مشکلات و انتخاب اولین گزینه به عنوان بهترین گزینه.  
سناریو راضی کن: ناتوانی در نه گفتن، بروز اضطراب در صورت تأییدنشدن و مهربانی افراطی در حد آسیب رساندن به خود.

مورد دهم با دلیل جدایی فرهنگ اقتصادی حاکم بر خانواده:  
سناریو نباش: نادیده گرفته شدن توسط همسر و پدر، احساس اضافی بودن، احساس ناخواستی بودن و احساس بی‌ارزش بودن.  
سناریو مهم نباش: احساس مهم نبودن، بی‌اهمیت بودن شخص و نیازهایش و انتخاب موضع انفعالی.  
سناریو راضی کن: طبق میل دیگران رفتار کردن و تأییدطلبی به قیمت ضرر رساندن به خود.

مورد یازدهم با دلیل جدایی عدم انتخاب آگاهانه:  
سناریو نباش: تحقیر شدن، احساس برتری دیگران و احساس اینکه هیچ حقی در زندگی ندارند.  
سناریو فکر نکن: بدون تفکر وارد عمل شدن، ناتوانی در شناخت و درک واقعیت و احساس را به منطبق برتری دادن.  
سناریو راضی کن: طبق میل دیگران رفتار کردن، مهرطلبی، خوشحال کردن دیگران به قیمت ضرر رساندن به خود.



مورد دوازدهم با دلیل جدایی تغییر فرهنگ الگوی مشارکت اجتماعی و نقش‌های جنسیتی سناریو بچه نباش: احساس مسئولیت در قبال دیگران و مسئولیت‌های بزرگ قبول کردن. سناریو فکر نکن: به احساسات نسبت به منطبق بهای بیشتری دادن، به تعویق انداختن حل مشکلات و بی‌اعتمادی نسبت به اندیشه‌های خود. سناریو سخت‌کوش باش: بودن در فعالیت مداوم و استراحت نداشتن.

#### مورد سیزدهم با دلیل جدایی دخالت و تحریک دیگران:

سناریو مهم نباش: حق نداشتن، تحقیر و توهین و موضع انفعال. سناریو دیگران راضی کن: موافقت با دیگران به خاطر راضی نگه‌داشتن آن‌ها و مهربانی افراطی به قیمت ضرر رساندن به خود. سناریو وجود نداشته باش: احساس ناخواسته بودن و دریافت پیام «ای کاش نبودی».

#### مورد چهاردهم با دلیل جدایی کاهش آستانهٔ صبر و سازش‌پذیری

سناریو نکن: نگرانی پدر و مادر از اینکه فرزند از حوزهٔ حمایت آن‌ها خارج شود، حمایت و مراقبت افراطی و دشواری انتخاب مسیر زندگی. سناریو فکر نکن: زیر سؤال رفتن قدرت تفکر از ناحیهٔ والدین، منتظر راه‌حل گرفتن از دیگران، پیروی از دیگران در تصمیم‌گیری‌ها، بی‌اعتمادی به اندیشه‌های خود و از دست دادن قوهٔ تفکر. سناریو دیگران راضی کن: رفتار کردن طبق خواست دیگران.

#### مورد پانزدهم با دلیل جدایی کاهش آستانهٔ صبر و سازش‌پذیری

سناریو مهم نباش: حق قائل نشدن برای خود، برتری دیگران نسبت به خود و تحقیر شدن و مورد اهانت واقع شدن. سناریو وجود نداشته باش: خود را مستحق آسیب دیدن و کشته شدن و افکار مرگ و نیستی. سناریو دیگران راضی کن: نگرانی از نارضایتی دیگران، تلاش در جلب رضایت دیگران و برطرف کردن نیاز دیگران در اولویت.

مورد شانزدهم با دلیل جدایی کم توجهی نسبت به کسب مهارت‌های زندگی: سناریو بچه نباش: زیر سؤال بردن رفتارهای کودکانه توسط والدین، مطابق سن خود رفتار نکردن و مسئولیت‌های بیش از سن خود پذیرفتن. سناریو موفق نباش: احساس شکست در زندگی و ناکامی در موفقیت‌ها. سناریو قوی باش: کتمان ناتوانی‌ها، خود را قدرتمندتر نشان دادن و احساسات خود را به زبان نیاوردن.

مورد هفدهم با دلیل جدایی روابط آزاد با جنس مخالف: سناریو متعلق نباش: احساس انزوا، احساس خاص بودن و تفاوت با دیگران و سرگردانی به دنبال یافتن امنیت. سناریو فکر نکن: از کارافتادن قدرت تفکر، واقعیت را منطبق با تمایلات شخصی در نظر گرفتن، ناتوانی در شناخت و درک واقعیت و برتری احساسات نسبت به تفکر. سناریو عجله کن: عجله در کارها و تصمیم‌گیری‌ها.

مورد هیجدهم با دلیل جدایی روابط آزاد با جنس مخالف: سناریو فکر نکن: وارد کردن هیجانات در حل مسائل، بی‌اعتمادی نسبت به تصمیم‌گیری‌ها، عدم به‌کارگیری قدرت تعقل و تفکر و برتری احساسات به منطق. سناریو نباش: احساس ناخواستنی بودن، احساس اضافی بودن و خود را مستحق کشته شدن دیدن. سناریو راضی کن: انجام کاری در جهت رضایت دیگران.

مورد نوزدهم با دلیل جدایی تغییر نقش جنسیتی: سناریو مهم نباش: احساس بی‌اهمیتی و بی‌ارزشی و تحقیر شدن. سناریو بچه نباش: احساس حمایت‌گری و مسئولیت‌های بزرگ قبول کردن. سناریو راضی کن: اولویت دادن به دیگران و خود و نیازهای خود را در مرحله دوم اهمیت قرار دادن.

**مورد بیستم با دلیل جدایی فقدان مهارت محبت‌ورزی:**

سناریو نزدیک نشو: بی‌توجهی و بی‌مهری کودکی، بی‌اعتمادی در روابط و ناخوشایندی در نزدیکی در روابط.

سناریو نباش: احساس ناخواستنی بودن و اقدام به خودکشی.

سناریو راضی کن: طبق خواست دیگران رفتار کردن و تأییدطلبی.

**مورد بیست و یکم با دلیل جدایی تغییر نقش جنسیتی:**

سناریو بچه نباش: احساس مسئولیت افراطی، قابل‌اتکا بودن برای دیگران و مراقبت از دیگران.  
سناریو نکن: نگرانی بیش‌ازحد از آسیب رسیدن به همسر و حمایت افراطی والدین که به حمایت افراطی در فرزند منجر شده.

سناریو زود باش: عجله در کارها.

نتایج پژوهش نشان داد که سناریوهای زندگی به عنوان یک صفت شخصیتی، در شکل‌دهی رفتارهای افراد از جمله رفتارهای زناشویی و به تبع آن قرارگرفتن در آستانه طلاق نقش تعیین‌کننده دارد. با توجه به یافته‌های حاضر در پاسخ به سؤال پژوهش مبنی بر اینکه چگونه سناریوهای زندگی بر دلایل جدایی زنان در آستانه طلاق نقش ایفا می‌کند، باید بیان کرد که درباره هر دلیل جدایی، سناریوهایی وجود دارند که نقش پررنگ‌تری ایفا کرده و خود زمینه‌ای برای بروز این دلایل را فراهم کرده‌اند.

در مورد اول با دلیل جدایی فقدان مهارت محبت‌ورزی در بین زوجین، باید بیان کرد که سناریوی دیگران راضی نگه‌دار در این رابطه منجر به آن شده که فرد حتی با دیدن بی‌توجهی از همسر بازهم برای راضی نگه‌داشتن او، خود را نادیده گرفته و بازخوردی در جهت اصلاح بی‌توجهی به همسرش ارائه نداده است که او را از خودراضی نگه‌داشته و موجبات ناراحتی‌اش را فراهم نکنند که این نادیده گرفتن از سناریوی وجود نداشته باش ایشان نیز سرچشمه می‌گیرد، همچنین سناریوی وجود نداشته باش باعث شده که بتواند نیازهای خود را در زندگی مشترک نادیده گرفته و درنهایت سناریوی فکر نکن منجر به تعویق انداختن راه‌حل‌ها و اقدام مناسب برای جلوگیری از بی‌توجهی همسر شده است.

در مورد دوم با دلیل جدایی افزایش توقعات، انحرافات و نارضایتی جنسی سناریوی متعلق

نباش، منجر به آن شده که فرد خود را در یک رابطه احساس نکند که نیازمند وفاداری است و به دنبال شکل‌دهی رابطه‌ای جدید، عهدشکنی کند. سناریوی مهم نباش منجر به بی‌تفاوتی در برابر تحقیرها، توهین‌ها و بددهنی همسر شده و سناریوی راضی کن منجر به ماندن در زندگی زناشویی تاکنون برای راضی نگه‌داشتن خانواده شده است.

در مورد سوم با دلیل جدایی فقدان مهارت محبت‌ورزی در بین زوجین، باید بیان کرد افرادی که خود را مهم نمی‌دانند سعی به راضی نگه‌داشتن دیگران دارند و احساس ناخواسته بودن هم بر آن‌ها غلبه کرده به گونه‌ای با دیگران رفتار می‌کنند که خشونت آن‌ها را برانگیزانند و باعث تحقیر و توهین دیگران نسبت به خود می‌شوند.

در مورد چهارم با دلیل جدایی عدم تعهد زناشویی، باید بیان کرد سناریوی مهم نباش باعث شده که در برابر تحقیر و توهین‌های همسرش رفتاری انفعالی نشان داده و او را در انجام این رفتارها تقویت کند، سناریو راضی کن به شکل‌گیری رفتارهای مورد سوءاستفاده قرار گرفتن و در نتیجه پرخاشگری بیشتر و سناریوی هیچ کاری نکن به عدم فعالیت برای بهتر شدن اوضاع زندگی منجر شده است.

در مورد پنجم با دلیل جدایی دخالت و تحریک دیگران، باید بیان کرد که ایشان با وجود سناریوی مهم نباش اجازه داده که دیگران او را تحقیر کنند، با راضی کن منجر به عدم توانایی نه گفتن و ناتوانی در مخالفت با رفتارهای همسر در او شده و با داشتن سناریوی سخت‌کوش باش از درک شکست تلاش برای جدایی دوری کرده و سعی در کنترل بیش از اندازه همسرش داشته است و به این ترتیب شرایط را برای عهدشکنی همسر فراهم آورده است.

در مورد ششم با دلیل جدایی ناکامی در تولد فرزند، باید بیان کرد که غلبه سناریوهای فکر نکن، راضی کن وجود نداشته باش با توجه به ویژگی‌های رفتاری که در فرد ایجاد کرده‌اند به آن منجر شده که همسر مشارکت‌کننده وی را مسبب تمام رفتارها و شکست‌های خود بداند و بخواهد برای فائق آمدن بر این شکست‌ها ازدواج مجددی را فراهم آورد. همچنین با وجود اینکه مشارکت‌کننده کاملاً نسبت به هدف همسرش که در پی ازدواج مجدد است، با سناریوی فکر نکن و راضی کن با ترک خانه شرایط را برای ازدواج مجدد همسرش فراهم کرده است.

در مورد هفتم با دلیل جدایی پدیده چندهمسری با بهره‌مندی از سناریوهای موفق نباش و



سالم نباش در تولد فرزند سالم و طعم شیرین مادری موفق نبوده و اکنون باوجود سناریوی زود باش، عجله در تصمیم‌گیری در مورد نبودن در این زندگی داشته و خواهان جدایی است. وجود نداشته باش باعث شکل‌گیری بی‌توجهی همسر گشته و در وی با عدم پرداخت هزینه‌های درمان توسط همسر قرابت پیدا می‌کند.

در مورد هشتم با دلیل جدایی تغییر فرهنگ الگوی مشارکت اجتماعی و نقش‌های جنسیتی، گمان می‌رود رفتارهای اهمال‌گرانه که با سناریوی فکر نکن رابطه دارد، بدبینی و منفی‌گرایی مشارکت‌کننده که در مورد ایشان بااحساس ناخواسته بودن و بدبینی نمایان شده است، وجود سناریوی عجله کن که با فکر نکن همراه شده است باعث ایجاد تکانش‌گری و عجله در تصمیم‌گیری‌های احساسی شده است، همسرش را به تجدید فراش سوق داده است. در مورد نهم با دلیل جدایی روابط آزاد با جنس مخالف و اختلاط ناسالم زن و مرد بچه نباش، باعث شده که بخواهد نقش‌های مدیریتی را بر عهده گیرد که در خانواده‌های سنتی بر عهده مرد است. فکر نکن منجر به تلاش‌های بی‌نتیجه و پرهزینه برای رسیدن به رهبری خانواده باشد و سناریوی قوی باش منجر به کتمان ناتوانی‌ها و محکم نشان دادن خود در جهت پذیرفتن نقش‌های فرا جنسیتی اعمال اثر کرده باشد.

مورد دهم با دلیل جدایی فرهنگ اقتصادی حاکم بر خانواده به دلیل وجود سناریوی نباش خود را از بار تعهد عاطفی و جنسی باهمسرش جدا کرده و به شخصی وابسته شده که کم‌تر احساس ناخواسته بودن را به او القاء می‌کند. سناریوی فکر نکن منجر به عدم برطرف کردن مشکلات باهمسر و در نتیجه عدم ایجاد انگیزه برای ترک دادن در وی و سناریوی راضی کن ماندن در این رابطه باوجود داشتن رابطه با فردی دیگر به دلیل احساس دلسوزی و راضی کردن همسرش شده است.

مورد یازدهم با دلیل جدایی عدم انتخاب آگاهانه با سناریوی نباش و مهم نباش باعث شده که نیازهایش توسط همسرش دیده نشود، همسرش نیازهای او را مهم نداند و ارضا نکند و سناریوی راضی کن نیز در فرد منجر به عدم اعتراض برای برطرف کردن این نواقص شده است.

در مورد دوازدهم با دلیل جدایی تغییر فرهنگ الگوی مشارکت اجتماعی و نقش‌های جنسیتی باید بیان کرد زمانی که فرد با داشتن سناریوی مهم نباش خود را مهم نداند، با

سناریوی فکر نکن در شناخت خودش ناتوان باشد و در قبال خواسته‌ها و نیازهای خود فکری نکند و بخواهد دیگران را راضی نگه دارد و بدون شناخت و تنها با معرفی دیگران به ازدواج دست خواهد زد. از این رو می‌توان ناآگاهی در شناخت همسر را به این دلایل ربط داد.

در مورد سیزدهم با دلیل جدایی دخالت و تحریک دیگران باید بیان کرد به دلیل وجود سناریوی بچه نباش، در قبال همسرش احساس مسئولیتی فراتر از حد طبیعی را داشته، لذا با سناریوهای سخت‌کوش باش و فکر نکن سعی به مسئولیت‌پذیری زندگی شده و به عواقب آن فکر نکرده است.

در مورد چهاردهم با دلیل جدایی کاهش آستانه صبر و سازش‌پذیری، باید بیان کرد سناریوی فکر نکن منجر به عدم فعالیت برای شناخت همسر شده و با سناریوی هیچ کاری نکن منتظر تصمیم گرفتن از جانب پدر و مادر در انتخاب همسر بدون در نظر گرفتن نیازهای خود شده است. لذا چون سناریوی راضی کن را نیز داشته از این انتخاب آن‌ها بدون آگاهی و شناخت استقبال کرده است.

در مورد پانزدهم با دلیل جدایی کاهش آستانه صبر و سازش‌پذیری با وجود سناریوی مهم نباش در برابر تحقیرهای همسرش سکوت کرده و با داشتن سناریوی نباش این احساس ناخوشایند را که در این زندگی جایگاهی ندارد، طی سال‌ها به دوش گرفته و با دیگران راضی کن به خاطر فرزندانش این زندگی را منفعلانه ادامه داده است تا جایی که اکنون آستانه صبر و سازش‌پذیری او به حداقل رسیده و او را به تصمیم جدایی رسانده است.

در مورد شانزدهم با دلیل جدایی کم توجهی نسبت به کسب مهارت‌های زندگی با توجه به مطالب مطرح شده در مورد دلیل جدایی تغییر جایگاه زن و مرد و بی‌مسئولیتی همسر باید بیان کرد بچه نباش از اصلی‌ترین دلایل در این زمینه است؛ زیرا فردی که دارای این سناریو است، همیشه می‌خواهد رفتارهای دیگران را جهت داده و بهترین تصمیم را بگیرد. در نتیجه باید خود را قوی نشان داده حتی اگر احساس شکست کند.

در مورد هفدهم با دلیل جدایی روابط آزاد با جنس مخالف باید بیان کرد عهدشکنی زمانی اتفاق می‌افتد که فرد با سناریوی متعلق نباش خود را متعلق به فردی که با او عهد بسته نبیند. لذا با سناریوی فکر نکن رفتارهای احساسی و جایگزین کردن احساسات به جای منطق و عجله در انتخاب با وجود سناریوی عجله کن، به سوی رفتارهای فرازنشویی سوق داده می‌شود.





در مورد هیجدهم با دلیل جدایی روابط آزاد با جنس مخالف سناریوی فکر نکن با سوق دادن رفتارهای فرد به سمت احساسات و همین‌طور سناریوی نباش با ایجاد این ذهنیت که فرد در زندگی کنونی جایگاهی ندارد، به رفتارهای فرازنشویی و عهدشکنی منجر می‌شود. همچنین همان‌طور که انتظار می‌رود ازدواج تحمیلی به خاطر راضی نگه داشتن دیگران و بدون خواست فرد انجام‌شده است.

در مورد نوزدهم با دلیل جدایی تغییر نقش جنسیتی با سناریوی مهم نباش خود را وقف خانواده کرده و بار مسئولیت همسر را نیز خودش بر دوش می‌کشد. سناریوی بچه نباش به این منجر شده که مسئولیت‌هایی فراتر از توان و جنسیتش قبول کند و برای راضی نگه داشتن دیگران این رفتارها را ادامه دهد.

در مورد بیستم با دلیل جدایی فقدان مهارت محبت‌ورزی سناریوی نزدیک نشو باعث شده که فرد به سمت همسرش کم‌تر گرایش پیدا کرده، در نتیجه جنس مرد ویژگی‌های او را نشناخته و ذهنیتی منفی نسبت به آن‌ها پیدا کرده است. از طرف دیگر از آنجایی که او دارای سناریوهای نباش و راضی کن نیز بوده است، به خاطر رهایی از شرایط خانواده مبدأ یعنی جدایی پدر و مادرش از یکدیگر که به تازگی اتفاق افتاده بود و راضی نگه داشتن آن‌ها، به خاطر اینکه نگران به سامان رساندن او بوده‌اند، به هر قیمتی دست به این ازدواج ناخواسته زده است.

در مورد بیست و یکم با دلیل جدایی تغییر نقش جنسیتی سناریوی بچه نباش ارتباط نزدیکی با تغییر جایگاه زن و مرد دارد. این سناریو به مسئولیت‌پذیری افراطی در ایشان منجر شده و همراه شدن آن با سناریوی هیچ کاری نکن باعث شده که ایشان بیش از اندازه نگران رفتارهای دیگران باشد و آن‌ها را حمایت کند. در نتیجه برای اطمینان بیشتر و با توجه به اینکه سناریوی زود باش نیز در او وجود دارد منتظر نمی‌مانده و خود کارها را انجام می‌داده است که به خستگی ایشان از وضعیت موجود منجر شده است.

بنابراین در جواب چگونگی تأثیر سناریوها بر دلایل جدایی زنان در آستانه طلاق می‌توان بیان کرد از آنجایی که سناریوهای زندگی به عنوان حالت‌هایی از رفتار و شخصیت انسان است، می‌تواند رفتارهای مشخصی را در افراد سبب شود که در دلایل جدایی آن‌ها نقش ایفا می‌کند.

## بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر باهدف مطالعه نقش سناریوهای زندگی بر دلایل جدایی زنان در آستانه طلاق انجام شد.

در تبیین یافته‌های پژوهش حاضر درباره سؤال پژوهش و چگونگی ایفای نقش سناریوهای زندگی بر دلایل جدایی زنان در آستانه طلاق باید بیان کرد که یافته‌های ارائه شده در این پژوهش نشان داد که برخی از سناریوهای زندگی در تعدادی از دلایل جدایی مشترک هستند که در ذیل شرح و تبیین شده است.

با دسته بندی سناریوهای زندگی برای دلیل جدایی روابط آزاد با جنس مخالف و عهد شکنی دو سناریوی مشترک و مرتبط فکر نکن و متعلق نباش وجود دارد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که بی‌وفایی زناشویی پدیده‌ای است که اغلب به خاطر برطرف شدن نیازهای عاطفی فرد از طریق روابط خارج از حیطه زناشویی به وقوع می‌پیوندد (هاردی، ۲۰۰۶) و مانند بسیاری از پدیده‌های اجتماعی، رویدادی چند بعدی است و عوامل متعددی در بروز و ظهور آن دخالت دارند، از جمله عوامل مداخله‌گر در پیدایی این پدیده، عوامل شخصیتی و درون فردی و عوامل موقعیتی و محیطی و عوامل بین فردی است (هادی و همکاران، ۱۳۹۵). در تبیین چگونگی ایفای نقش این سناریوها باید بیان داشت وقتی یک فرد بزرگسال مهار فکر نکن را دارد، دارای روند تفکری تناقض‌آمیز است که بخشی از واقعیت را خیلی خوب می‌بیند و یک بخش را اصلاً نمی‌بیند که نهایتاً نتیجه‌گیری‌های فرد غیرمنطقی خواهد شد. کسی که مهار فکر نکن دارد، وقتی که تحت فشار است در نقش قربانی قرار می‌گیرد و منتظر ارائه راه حل از طرف دیگران می‌نشیند. لیکن از آنجایی که اولین راهکار رها شده برای فرد در زندگی مشترک بی‌وفایی و ارضاء کردن نیازهای خود بدون در نظر گرفتن عواقب بعدی آن است، افراد به سمت برقراری رابطه با جنس مخالف و خیانت زناشویی پیش می‌روند. همچنین وجود سناریوی متعلق نباش هم در این روند به این صورت نقش ایفا می‌کند. پژوهش روبینزتن و ایوانر (۱۹۹۹) نشان داد که نارضایتی از روابط عاطفی و عدم صمیمیت میان زوجین، به مرور زمان نوعی جدایی عاطفی و روابط کور بین زوجین به وجود می‌آورد و آن‌ها را به جدایی عاطفی سوق می‌دهد. همچنین هادی و همکاران (۱۳۹۵) بیان می‌کند حساس نبودن و عدم کنجکاوای نسبت به مسائل فردی یکدیگر (که از علائم عدم تعلق زوجین به یکدیگر است)



موجب می‌شود، فرصت ایجاد روابط جدید جنسی و سایر روابط عاطفی و گشودن راه‌های جدید بین دو زوج پیش نیاید و در این میان، زوجین برای رسیدن به روابط عاطفی مناسب و رضای احساسات و عواطف ممکن است به روابط نامشروع روی آورند. از این‌رو افراد از آن جهت که خود را متعلق به گروه یا خانواده‌ای که در آن هستند نمی‌بینند، نمی‌توانند معنای بودن را در ارتباط با دیگران، اشیاء و دنیا پیدا کنند و بودن آن‌ها بی‌معنا می‌شد. لذا وقتی کنار چیزی قرار می‌گیرند که به آن حس تعلق ندارند، مسئولیتی در قبال این هم‌زیستی برای خود در نظر نمی‌گیرند و ممکن است وارد روابط دیگر شوند. سرگردانی این افراد برای یافتن امنیت، دلیل دیگری برای وارد شدن این اشخاص به روابط عاطفی دیگر است که ممکن است به روابط متعدد نیز منجر شود.

در دلیل جدایی خشونت همسر، سناریوهای مشترک بین مشارکت‌کنندگان مهم نباش و راضی کن است. متخصصان اذعان کرده‌اند که عدم توانایی فرد در بیان احساسات و خواسته‌هایش با خشم ارتباط داشته (شیخ الاسلامی و همکاران، ۱۳۹۲) و این مسأله می‌تواند به عنوان یکی از محرک‌های اصلی سناریوی مهم نباش نشان‌دهنده عزت نفس ناسالم و آسیب‌دیده مشخص شود. شخصی که اجازه مهم بودن را به خود نمی‌دهد در هنگام مورد توجه قرار گرفتن کناره‌گیری می‌کند و به خودش این حق را نمی‌دهد که از دیگران نوازش دریافت کند. از طرف دیگر پترسون، میر و سلیگمن<sup>۱</sup> (۱۹۹۳) معتقد هستند زنان کتک خورده‌ای که با فرد بدرفتار باقی می‌مانند، رفتارهای انفعالی برای آرامش خود و راضی نگه داشتن اطرافیان از خود نشان می‌دهند که مشابه سناریوی راضی کن است. لیکن می‌توان بیان کرد، وجود سناریوی راضی کن نیز باعث می‌شود فرد همیشه نگران مورد تأیید واقع شدن از طرف دیگران باشد و در مجموع فردی کم‌جرات و حساس نسبت به انتقاد به نظر می‌رسد و از انتقاد منقلب و مضطرب می‌شود. لذا این اضطراب را با کج خلقی و رفتارهای ایدایی از خود نشان می‌دهد که در نتیجه منجر به تحریک پرخاشگری طرف مقابل می‌شود.

دو سناریوی مؤثر برای دلیل جدایی بی‌توجهی همسر نسبت به خواسته‌ها، سناریوهای نباش و راضی کن است. آدیس و برنارد<sup>۲</sup> (۲۰۰۰) این‌طور بیان می‌کنند که هرگاه همسران از

1. Peterson, Maier and Seligman

2. Addis and Bernard

شریک زندگی‌شان رفتار خاصی را متوقع باشند با ناکام شدن این الزامات، احساس خشم و شکست نسبت به خود یا دیگران خواهند کرد یا نسبت به خود احساس ترحم خواهند داشت. از این رو می‌توان گفت که حتی شکل‌گیری نباش ممکن است ناشی از رفتار همسر شکل گرفته باشد. از طرف دیگر مهار وجود نداشته باش ممکن است ترس از نابودی و مردن را به همراه داشته باشد، به همین دلیل امکان دارد رفتارهای همسر خود را این‌گونه تفسیر و تعبیر کند که زندگی و بود و نبود من برای او مهم نیست و دلیل جدایی خود را این‌گونه عنوان کند که همسرش به وی توجهی نمی‌کند. در مورد سناریوی راضی کن نیز باید بیان شود که این سناریو شباهت کاملاً زیادی به سبک ارتباطی منفعلانه دارد. کسی که سبک ارتباطی منفعلانه‌ای دارد، نه در مقابل درخواست‌های غیر منطقی دیگران کاری می‌کند و نه خودش می‌تواند در خواست معقولش را با دیگران مطرح کند. کلاً آدم‌های منفعل کار خاصی جز پذیرفتن و نگفتن و خود خوری انجام نمی‌دهند (هاسون<sup>۱</sup>، ۲۰۱۵). آن‌ها به حقوق شخصی خودشان بی‌توجهند، به دیگران اجازه می‌دهند به حریم شخصی‌شان تعرض کنند و در کل اولویت زندگی آن‌ها خواسته‌های دیگران است و نه خواسته‌های خودشان (فوت، لودر و بالاکریشنان<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷).

همچنین نتایج پژوهش نشان داد که سناریوی زنان مراجعه‌کننده با دلیل تفویض جایگاه زن و مرد و بی‌مسئولیتی همسر سناریوی بچه نباش است. مسئولیت‌ناپذیری مالی و اقتصادی، قابل اعتماد نبودن، نداشتن هدف و بی‌انگیزگی نشان‌گر ناپختگی و نداشتن بلوغ شخصیتی در فرد است. اشخاص نابالغ، افرادی هستند که همگام با افزایش سن‌شان بزرگ نشده‌اند. مردان و زنانی که این ضعف را دارند، شخصیت‌شان «بالغ» آلوده به «کودکی» است که از رفتارهای مسئولانه و سنجیده طفره می‌روند و حرکت بر مدار هیجان کودکی، برایشان بیش از حرکت بر مدار عقل و منطق بالغ‌شان جذاب‌تر و دلخواه‌تر است، این‌ها معمولاً شرایطی را فراهم می‌آورند که در آن همسرشان نقش والد را برایشان ایفا کند، به بیان دیگر، آن‌ها به عنوان یک کودک همیشه منتظر ناجی هستند که از راه برسد و کارهایشان را انجام دهد (پولسن و کارمون<sup>۳</sup>، ۲۰۱۵).

پژوهش‌ها نشان داده‌اند که عدم شناخت مرد و زن از خواسته‌ها و تمایلات یکدیگر از

- 
1. Hasson
  2. Foote, Louder and Balakrishnan
  3. Poulsen and Carmon



جمله عوامل مهم در وقوع درخواست طلاق به شمار می‌رود (فخرایی و حکمت، ۱۳۸۹). در تبیین این یافته‌ها باید بیان کرد که همان‌طور که در بالا اشاره شد، این افراد بخشی از واقعیت را خیلی خوب می‌بینند و یک بخش را اصلاً نمی‌بینند که نهایتاً نتیجه‌گیری‌های فرد غیرمنطقی خواهد شد. لذا با توجه به این نادیده‌انگاری واقعیت می‌توان عدم‌شناخت کافی از همسر را در این افراد پیش‌بینی کرد.

در مورد دلیل جدایی ذهنیت غلط نسبت به مردان که با وجود سناریوی نزدیک نباش همراه شده‌است، باید بیان کرد زمانی که افراد به فاصله‌گیری روانی و عاطفی از موضوعی سعی می‌کنند بدون اینکه اطلاع درستی از آن داشته باشند و با خطاهای شناختی خود با آن موضوع مواجه می‌شوند که بسته به تجربه‌های قبلی می‌تواند حالت مطلوب یا انزجارآور برای آن‌ها به وجود آورد. از این رو هنگامی که فردی این‌گونه رفتار را در زندگی زناشویی خود وارد کند، باعث ذهنیت غلط و منفی نسبت به همسر می‌شود و از نزدیک شدن به همسر اجتناب می‌کند. این شخص توانایی ایجاد صمیمیت و اعتماد را در رابطه خود ندارد که این دوری عاطفی در نهایت به جدایی منجر می‌شود.

سناریوی تأیید شده در مورد ازدواج مجدد همسر سناریوی مهم نباش است. در تبیین این یافته می‌توان بیان کرد فردی که دچار مهار مهم نباش است، دائماً از اضطراب اینکه من دوست داشتنی نیستم رنج می‌برد و چشم به تأیید دیگران دارد. او نمی‌تواند از خود راه و روش سبک زندگی داشته باشد و همچنین توانایی رهبری در رابطه را نیز نداشته و چشم به این دارد که محیط او را به کدام سمت می‌کشد. لذا این فرد این حس را به دیگران از جمله همسر خود منتقل کرده و باعث می‌شود که به گوشه‌ای رانده شده و کم‌تر در رأس امور قرار گیرد که این موضوع خود می‌تواند باعث فراهم بودن زمینه برای ازدواج مجدد همسر باشد. در این‌مورد باید بیان کرد احساس تنهایی تجربه‌ای همگانی است و همه آدمیان صرف‌نظر از جنس، سن، استعداد، نژاد، مذهب و پایگاه اجتماعی - اقتصادی در دوره‌ای از زندگی خود آن را تجربه می‌کنند (بحیرایی، لاور، احدی، ۱۳۹۰).

در نتیجه می‌توان بیان کرد، از آنجایی که سناریوهای زندگی به عنوان حالت‌هایی از رفتار و شخصیت انسان است، می‌تواند رفتارهای مشخصی را در افراد سبب شود که در دلایل جدایی آن‌ها نقش ایفا می‌کند.

لذا با توجه به نتایج به دست آمده و با توجه به اینکه در نظریه سناریوهای زندگی، درمان شامل آگاه سازی افراد از سناریوهای خود و برطرف کردن موانع آن است، در صورتی که پروتکل مناسبی برای آگاهی افراد از سناریوهای خویش طراحی و در آموزش های پیش از ازدواج آن ها گنجانده شود، می تواند از بروز رفتارهایی بکاهد که به طلاق منجر می شود. همچنین به روان شناسان و مشاوران خانواده توصیه می شود برای درمان تعارضات زناشویی بر نقش سناریوهای زندگی زوجین توجه کرده و برای پیشگیری از رخ داد طلاق در آن ها به درمان این سناریوهای معیوب اقدام کنند.



## منابع

- اخوی ثمرین، زهرا (۱۳۹۲) سبک‌های دلبستگی و میزان بخشودگی میان زنان متقاضی طلاق و زنان عادی. *مطالعات زنان*. ۱۱(۲): ۵۵-۸۲.
- استاینر، کلود (۱۳۹۵). *پیش‌نویس‌های زندگی در تحلیل رفتار متقابل*. ترجمه علی بابازاد، تهران: آویسا.
- استوارت، یان (۱۳۹۰). *گام‌های درمان در تحلیل رفتار متقابل*. برگردان اسماعیل زیارتی و روح‌انگیز کمالی. تهران: ذهن آویز.
- آخوندی درزی، مینا، اسمعیلی، معصومه و کاظمیان، سمیه (۱۳۹۶). *پیش‌بینی حالات روان‌شناختی مثبت در سازگاری پس از طلاق زنان مطلقه مجله: مطالعات اجتماعی - روان‌شناختی زنان*. سال ۱۵(۲): ۳۷-۶۲.
- بولتون، رابرت (۱۳۹۴). *روان‌شناسی روابط انسانی (مهارت‌های مردمی): چگونه ابراز وجود کنید، چگونه به صحبت‌های دیگران گوش فرا دهید، چگونه تعارض‌ها و تضادها را رفع کنید*. ترجمه حمیدرضا سهرابی و افسانه حیات روشنایی. تهران: رشد.
- خیاط غیاثی، پروین (۱۳۸۹). *بررسی علل اجتماعی گرایش به طلاق در بین زنان مراجعه کننده به دادگاه خانواده شیراز*. *فصلنامه زن و جامعه*، ۳(۱۱): ۷۴۹-۷۳۷.
- فاتحی دهاقانی، ابوالقاسم، نظری، علی محمد (۱۳۹۰). *تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش زوجین به طلاق در استان اصفهان*. *مطالعات امنیت اجتماعی*، ۲۵: ۱۳-۵۴.
- ناصر یوسفی، محمد علی کیانی (۱۳۹۱) *بررسی شاخص‌های روان‌سنجی مقیاس نگرش نسبت به عشق*. *انجمن مشاوره ایران*. جلد ۱۱(۴۳): ۵۵-۷۷.
- نریمانی، محمد، عباسی، مسلم، بگیان کوله مرز، محمدجواد و بختی، مجتبی (۱۳۹۳). *مقایسه اثربخشی دو رویکرد آموزش مبتنی بر پذیرش و تعهد (ACT) و روایت درمانی گروهی بر تعدیل طرحواره‌های ناسازگار اولیه در مراجعان متقاضی طلاق*. *فصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده*، ۴(۱): ۱-۲۸.
- نصرالهی، زهرا (۲۰۱۳). *عوامل تعیین‌کننده طلاق در ایران با تأکید بر عوامل اقتصادی*. *مجله*

مطالعات روان‌شناسی زنان، ۱۱(۴): ۱۶۵-۱۸۶.

نظری، علی محمد، سلیمی، هادی و محسن‌زاده، فرشاد(۱۳۹۴). پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس عوامل فرایندی و محتوایی خانواده در معلمان ابتدایی شهر کرج. *دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی*. ۱۶ (۲): ۸۴-۹۲.

یوسفی، ناصر و کیانی، محمدعلی (۱۳۹۱). تأثیر گشتالت درمانگری و معنادرمانگری برکاهش میل به طلاق مردان متقاضی مشاوره، *فصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده*، ۱۵۰-۱۵۸.

- Akhavi Samorin, Zahra (2013). Attachment styles and amount of forgiveness among female applicants for divorce and normal women. *Journal of Social Psychological Studies of Women*, 11(2): 55-82(Text in Persian).
- Akhondi, Mina., Esmail, Masoomah. and Kazemian, Somayeh(2017).Predicting positive psychological states in women's post-divorce adiustment. *Journal of Social Psychological Studies of Women*, 15(2): 137-154(Text in Persian).
- Barrow, Giles. (2007). Transactional analysis, pastoral care and education. *Pastoral Care in Education*, 25(1): 21-25.
- Berne, Eric. (2016). *Transactional Analysis in Psychotherapy: A Systematic Individual and Social Psychiatry*, Ravenio Books.
- Bolton, Robert (2003). *Psychology of human relationships (popular skills): How to express yourself. how to listen to others' speeches. how to eliminate conflicts and contradictions?:* translate by Sohrabi & Hayat (2016), published Roshd(Text in Persian).
- Clarkson, Petruska (2013). *Transactional analysis psychotherapy: An integrated approach*, Routledge.
- Fatehi Dehaghani, Abolghasem and Nazari, AliMohammad. (2011). Sociological analysis of factors affecting couples' approach to divorce in Isfahan province. *Social studies*, 25: 13-54(Text in Persian).
- Goulding, Robert, and Goulding, Mary. (1976). Injunctions, decisions, and redecisions. *Transactional Analysis Bulletin*, 6(1): 41-48.
- Hartman, Cherry. and Narboe, Nan. (1974). Catastrophic injunctions. *Transactional Analysis Bulletin*, 4(2): 10-12.
- Karney and Bradbury. (1997). Neuroticism, marital interaction, and the trajectory of marital satisfaction. *Journal of personality and social psychology*, 72(5): 1075.
- Khaiat ghiasie, Parvin (2010). Study of social causes of divorce tendency among women referring to Shiraz family court. *Journal of Women and Society*, 3(11): 737-749(Text in Persian).



- Kurtz, E.I. (2010). *Life script option, existential life position, and differentiation of self: A test of transactional analysis theory*. University of Texas, 39.
- Narimani, Mohammad., Abbasi, Moslem., Bagiyan Koleh Marz, MohammadJavad and Baktay, Mojtaba. (2014). Comparison of the effectiveness of two approaches based on acceptance and commitment (ACT) and group therapy narrative therapy on the adjustment of early maladaptive schemas in clients applying for divorce. *Quarterly Journal of Family Counseling and Psychotherapy*, 4 (1): 1-28 (Text in Persian).
- Nasralahi, Zahra (2013). The determinants of divorce in Iran with an emphasis on economic factors. *Journal of Social Psychological Studies of Women*, 11(4): 165-186 (Text in Persian).
- Nazari, Ali Mohammad, Salimi, Hadi. and Mohsenzadeh, Farshad. (2015). Prediction of marital satisfaction based on family process and content factors in primary school teachers in Karaj. *Knowledge and research in applied psychology*. 16 (2): 84-92. Text in Persian
- Rindfuss, Ronald., & Morgan, Philip. (1983). Marriage, sex, and the first birth interval: The quiet revolution in Asia. *Population and Development Review*, 259-278.
- Singh, Ranbir. (2013). How to Get a Preliminary Injunction in India. *Managing Intell. Prop.*, 230, 24.
- Steiner, Claude (1990). *Scripts people live: Transactional analysis of life scripts: translated by Babazade* (2016), published Avisia.
- Stewart, Ian (2011). *Treatment steps in the Transactional Analysis*. Ismail Ziarati and Roohangiz Kamali, ZehnAviz Publishing (Text in Persian).
- Widdowson, Mark (2009). *Transactional analysis: 100 key points and techniques*, Routledge.
- Wilson, Sandra (2006). *Using transactional analysis as a psychotherapist: how to use TA in clinical situations*. Paper presented at the International Congress Series.
- Yousefi, Naser. and Kiani, MohammadAli (2012). The effect of therapeutic and therapeutic meanings on reducing the desire for divorce of men seeking counseling. *Journal of Family Counseling and Psychotherapy*, 150-158 (Text in Persian).





## ***Determining the Separation Causes expressed by Women on the Verge of Divorce based on their Life Scripts***

Fahimeh Rahmati<sup>1</sup>  
Sayed Esmaeel Mousavi<sup>2</sup>

### ***Abstract***

The current study tries to find out the causes of divorce in women who are on the verge of divorce based on their life scripts. The qualitative method, the case study, was used to explore the causes. Twenty-one subjects were selected from the population that included all the women on the verge of divorce in Isfahan City, via the saturation sampling method. Data were collected using the semi-structured interviews within three parts; (1) the demographic information; (2) the divorce causes; and (3) the lived scenarios. The three-way method (e.g., researchers, supervisors, and counselors) was applied to standardize properties of interviews. The data were analyzed by manual coding, in which data were examined by the explicit and implicit contents. The findings showed that in the causes of the separation of free-sex relations with the opposite gender, “don’t think” and “don’t belong to” scripts, in the violence of the spouse, “don’t be important” and “satisfy” scripts, in the spouse’s neglect of desires, “don’t be” and “satisfy” scripts, in the assignment of the wife and the husband’s position and the spouse’s irresponsibility, “don’t be child” script, about the wrong thought to men, “don’t be close” script, and about the spouse’s remarriage “don’t be important” script are involved. Thus, it can be said that the life scripts impact causes of the divorce and these causes are more likely to provide the direction and specific reasons for these women’s behaviors.

### ***Keywords***

Divorce Causes, Divorced Women, Life Scenarios

---

1. Graduate Student, Family Counseling, Islamic Azad University, Khomeini Shahr, Isfahan, Iran

2. Islamic Azad University, Khomeini Shahr Branch. Consulting and guidance group, Isfahan, Iran

Submit Date: 2017-10-21

Accept Date: 2018-04-07

DOI: 10.22051/jwsp.s.2018.17695.1584